

برخی از آثار افزایش قیمت نفت در سال‌های اخیر بر اقتصاد جهانی*

صندوق بین‌المللی پول
ترجمه مهدی رضائی
(فوق لیسانس، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

۳/۰۴ دلار برای هر گالن بود. بالاترین قیمت قبلی ۲/۳۸ دلار به ازای هر گالن در مارس ۱۹۸۱ بود که بعد از تعدیل برای تورم، ۳/۲۰ دلار برای هر گالن بوده است. قیمت خرده‌فروشی یک لیتر بنزین در انگلستان، ۸۶/۴ پنس در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۶ بود که این قیمت برابر با ۳/۲۹ پوند به ازای هر گالن آمریکا، یا ۶/۱۳ دلار به ازای هر گالن آمریکاست.

از دید عرضه، دلایل چندی وجود دارد که چرا تجارت نفت، احساس کردند عرضه نفت کاهش یافته است. یکی از مهمترین دلایل، اغتشاش در خاورمیانه، بزرگترین منطقه تولیدکننده نفت در جهان است. جنگ عراق، برنامه هسته‌ای ایران و عدم ثبات داخلی در عربستان، همگی منجر به کاهش تولیدات نفت شد. خارج از خاورمیانه، دیگر تولیدکنندگان نفت، با مسائل خود موجب نگرانی سرمایه‌گذاران شدند؛ از قبیل اعتصابات و مسائل سیاسی در ونزوئلا و عدم ثبات بالقوه در غرب آفریقا؛ همچنین در اواخر آگوست ۲۰۰۵، طوفان کاترینا، جریان عرضه

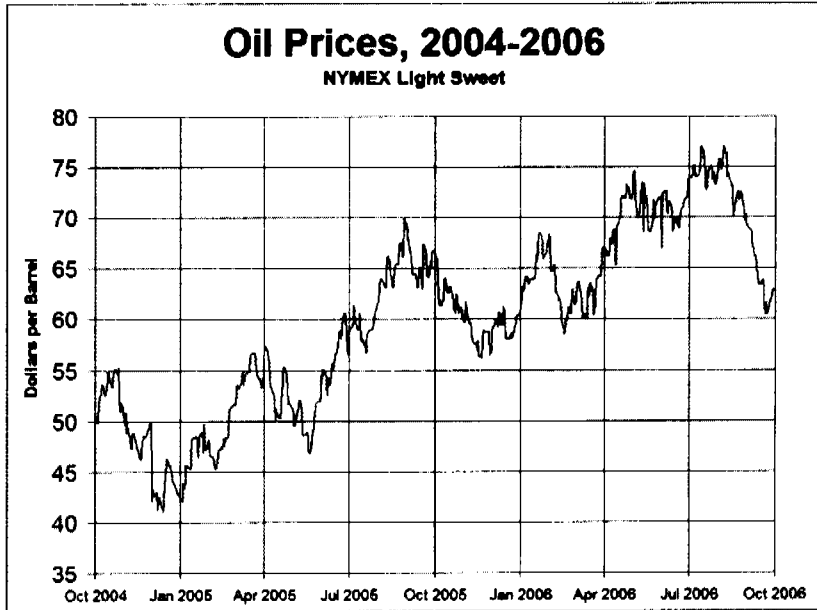
قیمت متعارف نفت خام در بورس تجاری نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۳، زیر ۲۵ دلار به ازای هر بشکه بود؛ اما در ۱۱ آگوست ۲۰۰۵، قیمت نفت خام به بالای ۶۰ دلار به ازای هر بشکه رشد کرد و قیمت رکوردی ۷۸/۴ دلار به ازای هر بشکه را در ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۶ به دست آورد (نمودار ۱)؛ گرچه قیمت نفت، با توجه به تورم تعدیل شود، اوج قیمت نفت در زمان بحران نفتی دهه ۱۹۸۰، بیشتر از زمان کنونی است (نمودار ۲) و اگر تورم کنونی لحاظ شود، قیمت نفت در زمان اوج قیمت نفت، بشکه‌ای ۹۰ دلار بوده است.

کارشناسان، خیز قیمت نفت را به عوامل مختلفی نسبت می‌دهند؛ شامل پرتاب‌های موشکی کره شمالی، بحران بین اسرائیل و لبنان، فعالیت‌های هسته‌ای ایران و گزارشات بخش انرژی ایالات متحده که نشان‌دهنده کاهش ذخایر نفتی بود.

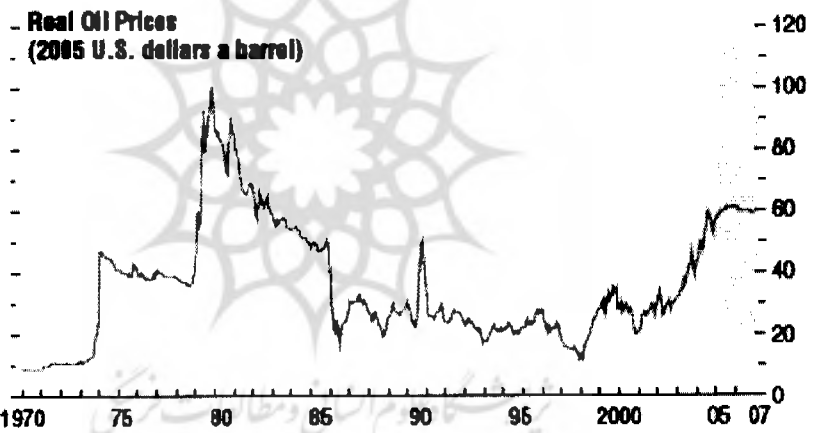
قیمت‌های بنزین در تمام مدت هفته اول سپتامبر ۲۰۰۵، بعد از عواقب تندباد کاترینا در ایالات متحده، بالا و متوسط قیمت خرده‌فروشی نزدیک



نمودار (۱) - قیمت هر بشکه نفت خام سبک در طی ۲۰۰۴-۲۰۰۶م. (تعدیل نشده بری تورم)

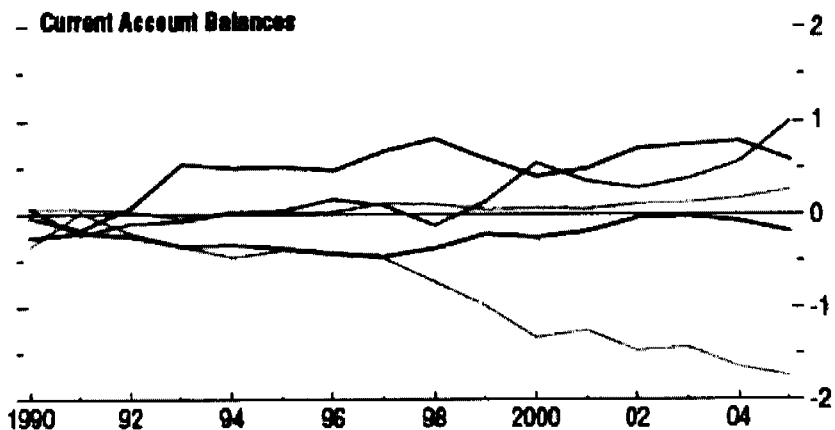


نمودار (۲) - قیمت واقعی هر بشکه نفت خام

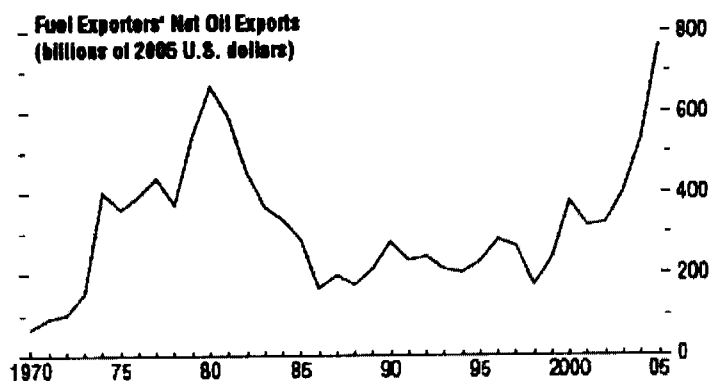


Sources: IMF, International Financial Statistics; and IMF staff estimates.

نمودار (۳) - ترزهای حسابجاری (درصدی ز GDP)*



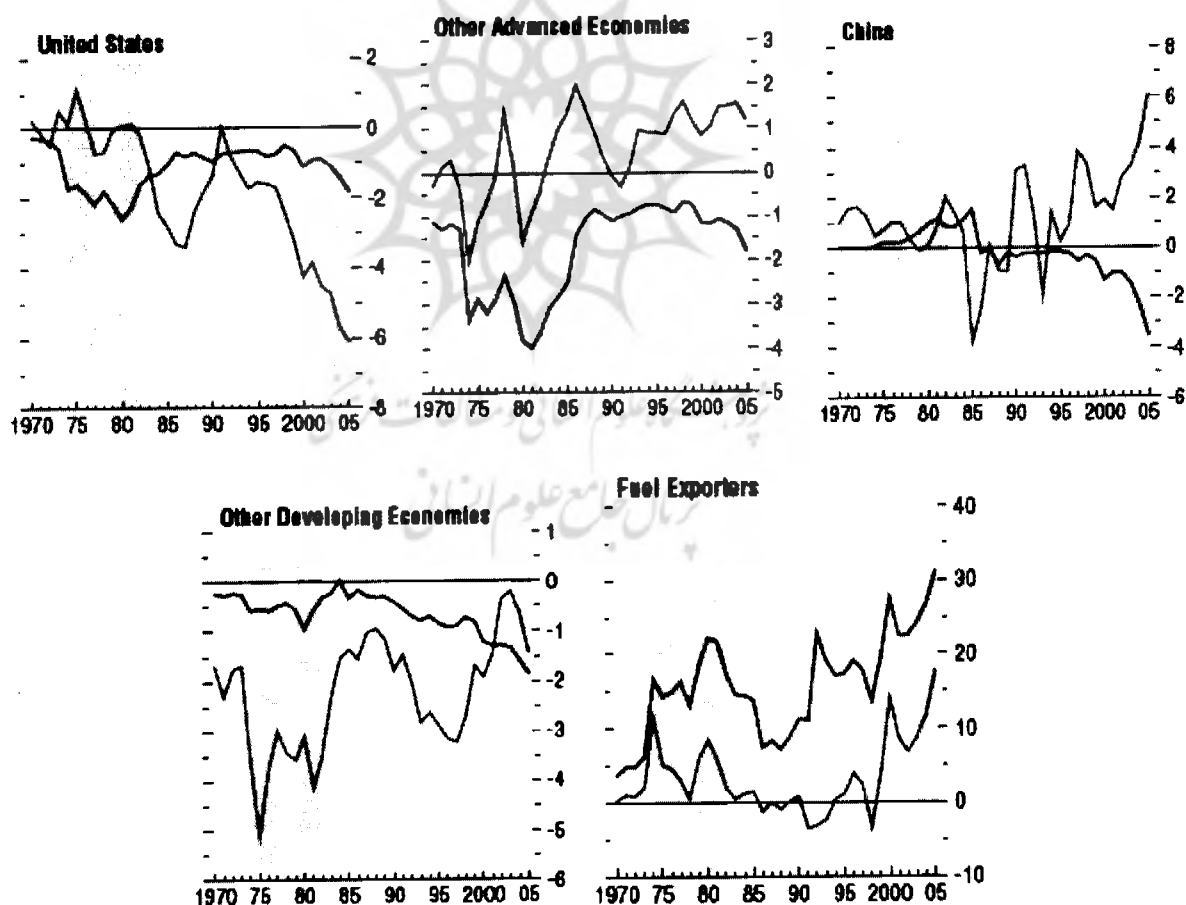
نمودار (۴) - صادرات خالص نفت کشورهای صادرکننده سوخت (میلیارد دلار)



Sources: IMF, International Financial Statistics; and IMF staff estimates.

نمودار (۵) - حسابجاری و ترزهای تجاری نفت

(درصدی از GDP)*



* - خط روشن تعادل تجاری نفت و خط تیره حسابجاری است.

Source: IMF staff calculations.

جدول (۱) - میل نهایی به واردات از ناحیه درآمدهای نفتی

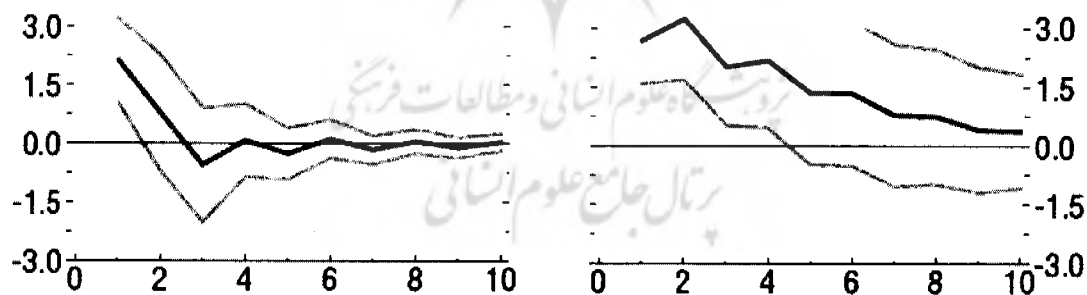
۲۰۰۳-۲۰۰۵	۱۹۷۸-۱۹۸۱	۱۹۷۸-۱۹۸۰	۱۹۷۳-۱۹۷۵	۱۹۷۳-۱۹۷۴	
۰.۱۵	۰.۲۵	۰.۱۸	۰.۳۴	۰.۰۸	(P) GCC
۰.۲۴	۰.۴۲	۰.۲۴	۰.۵۲	۰.۱۴	اوپک
۰.۳۷	۰.۲۴	۰.۳۵	۰.۶۸	۰.۱۷	ایران
۰.۲۶	۰.۳۹	۰.۲۷	۰.۳۲	۰.۰۱	عربستان سعودی
۰.۴۶	۰.۰۱	-۰.۱۵	۰.۶۵	۰.۱۸	ونزوئلا
۰.۳۱	کشورهای غیر اوپک اصلی
۰.۲	۱.۰۸	۰.۷۶	۱.۳۷	۰.۷۷	روسیه
-۰.۱۳	-۰.۳	۰.۱۸	تروژ
۰.۷۸	مکزیک

Sources: World Integrated Trade Solution; OECD; World Economic Outlook; and IMF staff calculations.

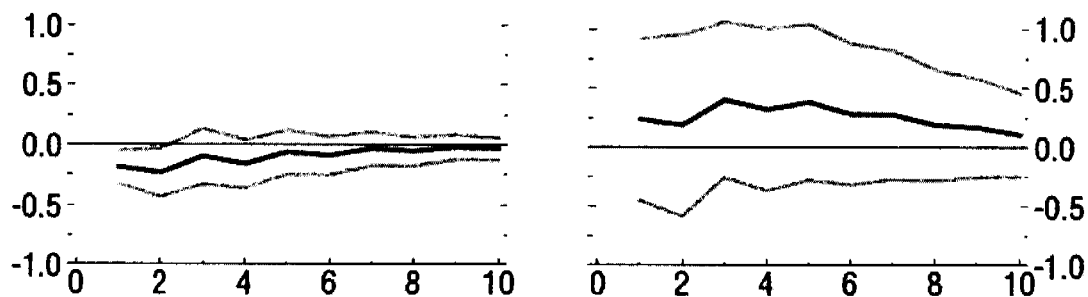
نمودار (۶) - تاثیر شوک‌های قیمت نفت بر عدم توازن خارجی در طی دوره ۱۹۷۲-۲۰۰۴

(درصدی ز GDP، محور X ها سال است) *

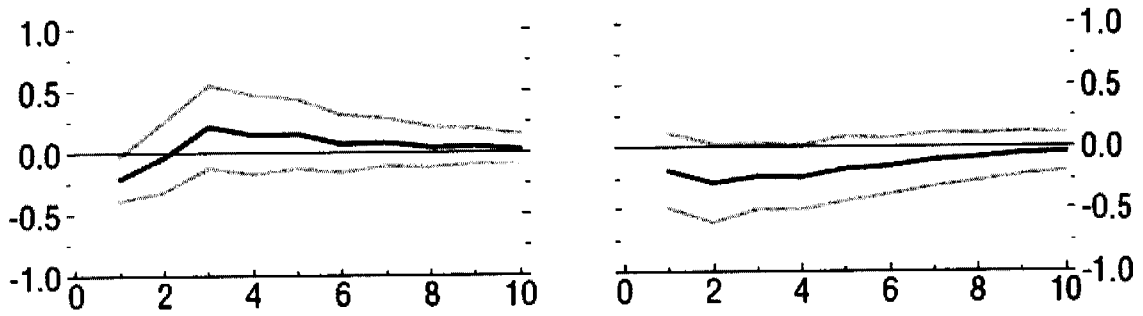
Fuel Exporters²



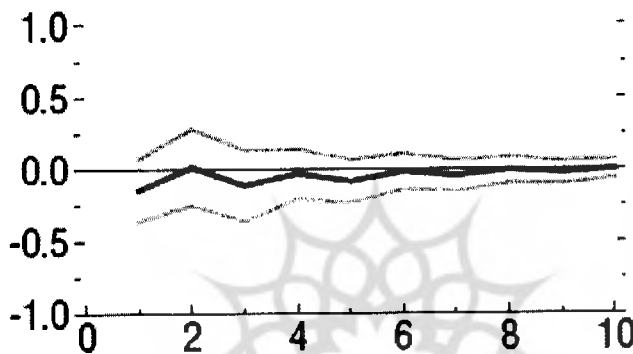
United States



Other Advanced Economies



China³



* - فاصله بین دو خط کم‌رنگ، فاصله خطای ۹۵ درصدی و خط پر رنگ، برآورد نقطه‌ای است.

Source: IMF staff calculations.

زمان شده است. افزایش قیمت نفت، صادرات نفتی کشورهای صادرکننده نفت را افزایش داده است (نمودار ۴).

برای واردکنندگان نفت، افزایش در قیمت جهانی نفت، موازنه تجاری را وخیم‌تر و منجر به کسری بیشتر حساب جاری و بدتر شدن وضع دارایی‌های خارجی شده است. در همان زمان، قیمت‌های بالاتر نفت، منجر به کاهش درآمدهای مصرفی بخش خصوصی و سودآوری فعالیت‌ها^(۱) و تقاضای داخلی شد. همراه با کاهش نرخ ارز، با ظرفیت مازاد محدود شده، مورد انتظار است تا تعادل عرضه-تقاضای میان مدت، محکم باقی مانده و قیمت‌های نفت نزدیک سطح‌های جاری پایدار بماند. سرعت و هزینه نتیجه^(۲) تعدیل، بستگی به عواملی از قبیل درجه باز بودن تجارت، انعطاف‌پذیری ساختاری و اعتبار دهی بانک مرکزی دارد و همانطور شوک‌های پایدار مورد انتظار.

برای صادرکنندگان نفت، این فرایند به طور گسترده‌ای وارونه است؛ به طوری که مازاد تجاری با رشد قوی‌تر جبران، و در تمام مدت، نرخ واقعی ارز افزایش یافته است. یک تفاوت مهم بین صادرکنندگان نفت با واردکنندگان نفت، این است که برای صادرکنندگان نفت، زمان

خارجی نفت از طریق باراندازی در سواحل خلیج را - که بزرگترین منبع نفت برای بازار داخلی آمریکا است - فلج کرد.

طی چند سال گذشته، دو چیز بر وضع ظاهری اقتصاد بین‌الملل حکمفرما شده است: اول، عدم توازن خارجی، پایدار شده است؛ شامل کسری زیاد حسابجاری در ایالات متحده که با مازادها در سایر اقتصادهای پیشرفته مرتبط شده است (نمودار ۳) و پدیدار شدن کشورهای آسیایی و بیشتر در حال حاضر، کشورهای صادرکننده نفت.

با توجه به نمودار (۳)، ملاحظه می‌شود که این عدم توازن، با انتقال متناظر در دارایی‌های خارجی، مرتبط شده است؛ گرچه تا حدی این عدم توازن (به ویژه برای ایالات متحده) به وسیله تغییرات ارزش‌گذاری جبران شده است. این تغییرات ارزش‌گذاری، بازتابی از تغییرات نرخ ارز است که از تغییرات قیمت‌های نسبی دارایی‌ها در ایالات متحده نشأت گرفته است. دوم، قیمت انرژی به صورت سریع از سال ۲۰۰۳ رشد کرده است (نمودارهای ۱ و ۲) که هم از تقاضای زیاد جهانی و چیزهایی که مربوط به عرضه آینده است، مشتق شده است. این عمل، موجب برگشت حسابجاری به تعادل‌های قبلی طی

بیشتری طول می کشد تا وضع خود را با افزایش قیمت نفت تعدیل کنند. نمودار (۵) نشان می دهد که برای کشورهای صادرکننده نفت، تراز تجاری نفت و حسابجاری، هر دو روندی افزایشی یافته است؛ اما برای ایالات متحده، هر دو رو به کاهش اند. برای چین در حالی که تراز تجاری نفت دارای مقادیری منفی و نزولی است، اما حسابجاری مثبت صعودی است که نشان دهنده بالا بودن صادرات این کشور است.

درآمد کشورهای صادرکننده نفت، به طور معنی داری طی دو سال گذشته افزایش یافته و تخمین زده می شود که درآمد اوپک حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ بوده است (۲ برابر سال ۲۰۰۳)؛ اما با یک سهم کمتر از جهانی GDP (۱/۱ درصد) نسبت به ۱۹۷۱ و ۱۹۷۹ (۲ درصد).

جدول (۱)، میل نهائی به واردات از ناحیه درآمدهای نفتی را نشان می دهد؛ به عبارتی، تغییرات حسابجاری طی تغییر در درآمدهای نفتی. نتایج جدول نشان می دهد که اوپک در حال حاضر، ۲۴ درصد از درآمدهای اضافی خود را روی واردات خرج می کند و این شاخص، ۳۱ درصد برای کشورهای غیر اوپک و ۱۵ درصد برای کشورهای GCC (P) است. از آنجا که وضع ظاهری برای اوپک، کمتر واضح است، گروه GCC (P) به صورتی ظاهر شده است که گوئی با سرعت کمتری درآمدهای خود را نسبت به دوران های قبلی خرج می کند؛ گرچه نتایج می توانند کمتر از حد تخمین زده شده باشند؛ به خصوص اگر آن چیزهایی که به درآمدهای غیر نفتی اضافه شده اند، مربوط به نفت باشند (مثلاً گاز طبیعی و تولیدات نفتی در کشورهای اوپک).

اگر این گونه درآمدها نیز با درآمدهای نفتی ترکیب شوند، میل نهایی در دوره های جاری بالاتر از دوره های قبلی می شود و همچنین نسبت به دوره های قبلی کمتر تفاوت دارد. اکنون با این عمل، ضریب مربوط به GCC (P) (۳۴ درصد)، خیلی نزدیک به اوپک می شود (۳۶ درصد).

در نهایت، احتمالاً تقاضای کل جهانی سقوط می کند. به نوبه خود، این اتفاق به دنبال فرایندی از تعدیلات چند جانبه ناشی شده از تغییرات نرخ بهره و ارز و به همانگونه تفاوت های رشد، شروع (۳) می شود. فرونی اولیه پس انداز جهانی بر سرمایه گذاری، فشار روبه پایین بر نرخ واقعی بهره می گذارد که در نتیجه تقاضای سرمایه گذاری در کشورهای واردکننده نفت را حمایت و انگیزه ها را برای پس انداز در کشورهای صادرکننده نفت تضعیف می کند.

همچنین تعدیلات به طور با اهمیتی مورد نفوذ گسترش بازاری مالی قرار می گیرند. قیمت های بالاتر نفت، منجر به کاهش قیمت دارایی ها - شامل حق صاحبان شرکت ها (۴) (سهام) و نرخ های ارز- در کشورهای واردکننده نفت و افزایش قیمت دارایی ها در کشورهای صادرکننده نفت خواهد شد. تعدیلات، همچنین موجب تقویت فرایند تعدیل، مخصوصاً در کشورهایی نظیر ایالات متحده، جایی که تأثیرات ثروت زیاد است، می شود؛ به علاوه، تغییرات در قیمت های دارایی، تأثیرات مهم ارزشگذاری را به همراه دارد؛ مثلاً

اگر صادرکنندگان نفت، دارایی نگهداری کنند و یا در کشورهای واردکننده نفت، سهام خریداری کنند، منافع آنان از قیمت های بالاتر نفت ممکن است تا حدی به وسیله زیان سرمایه ای ناشی از نگهداری دارایی جبران شود.

صندوق بین المللی پول، با بررسی اقتصاد سنجی نتیجه گرفته است که شوک های قیمتی، دارای علامت (۵) هستند؛ اما نسبتاً تأثیر کوتاه مدت بر حساب جاری دارند (نمودار ۶).

در کوتاه مدت، شوک های قیمتی نفت، منجر به عدم توازن می شود؛ هرچند تأثیر بر دارایی های خالص خارجی گذراست. یک افزایش ثابت در قیمت واقعی ۱۰ دلاری به ازای هر بشکه نفت، به طور متوسط با یک افزایش در مازاد حساب جاری حدود ۲ درصد GDP در کشورهای نفتی مرتبط است که این اثر، بعد از ۳ سال از بین می رود. این اوضاع، با کسری بیشتر در ایالات متحده (حدود ۱/۲ تولید ناخالص داخلی)، دیگر اقتصادی پیشرفته و اقتصادهای در حال توسعه به غیر از چین، همتا شده است. از میان این ها، تأثیر بر ایالات متحده از لحاظ آماری با معناتر و به همان صورت، پایا نیز هست (با نیمه عمر حدود سه سال).

همچنین شوک های قیمتی نفت، یک اثر قابل توجه و قابل استناد بر روی تمام مناطق، به استثنای ایالات متحده دارد. یک شوک افزایش ۱۰ درصدی در قیمت یک بشکه نفت، دارایی خارجی کشورهای صادرکننده نفت را همراه با افزایش در حساب جاری، افزایش می دهد که این افزایش، نیمه عمر ۵ سال را داراست.

تحلیل های صندوق بین المللی پول می گوید که تغییرات تخمین زده شده دارایی های خارجی ایالات متحده مثبت است؛ اگرچه از نظر آماری بی معناست؛ از آنجا که دیگر کشورها، یک کاهش بزرگتر و بیشتر پایدار دارایی های خارجی را تجربه کرده اند تا اینکه با اثرات (برهم فزاینده) بر حساب جاری مورد اشاره قرار گیرد.

نمودار (۷)، فرایند تعدیل مناطق در پاسخ به افزایش قیمت نفت (۱۰ دلار به ازای هر بشکه) را توضیح می دهد. قیمت دارایی ها (حق صاحبان سهام) حدود ۴-۲ درصد در کشورهای اصلی پیشرفته - در میان آنان، دلار آمریکا را کاهش ارزش داده اند- سقوط می نماید که انتقال ثروت را از سایر اقتصادها به ایالات متحده نتیجه می دهد.

از سوی دیگر، تأثیرات شوک جاری، شامل سرعت و ماهیت تعدیلات آتی، ممکن است از تأثیرات متوسط شوک های قیمتی در گذشته متفاوت و به خصوص به عوامل سیاستی مربوطه، وابسته باشند. اول، تولیدکنندگان نفت به صورتی ظاهر می شوند که در پاسخ به درآمدهای بالاتر، مخارجشان را آهسته تر نسبت به قبل افزایش دهند. در ثانی، تأثیرات قیمت های نفت بر تورم تا به کنون، بستگی نسبی به تجربه گذشته دارد؛ به طوری که بانک مرکزی، نرخ بهره کوتاه مدت را برای کاهش فشار تورمی، افزایش نمی دهد. تا حدی رشد در کشورهای واردکننده نفت، نسبتاً بی تأثیر می ماند و اشاره به این می کند که ترازهای تجاری ممکن است زمان طولانی تری را صرف کنند تا تعدیل شوند.



اقتصاد و بازرگانی بهمان

